

نگاهی به
مناسبات تاریخی و فرهنگی و ادبی
میان پاکستان و ایران
آثار و افکار علامہ اقبال لاہوری

مولانا کوثر نیازی





اسکین شد

نگاهی به

مناسبات تاریخی و فرهنگی و ادبی

میان پاکستان و ایران

و

آثار و افکار علامہ اقبال لاہوری

مولانا کوثر نیازی

خوانندگان ارجمند !

بنا بدعوت دولت شاهنشاهی ایران آقای مولانا کوثر نیازی وزیر اطلاعات و رادیو و امور حج و اوقاف دولت فدرال پاکستان از تاریخ ۱۷ الی ۲۴ مه ۱۹۷۴ م از ایران دیدن کردند .

طی این دیدار آقای مولانا کوثر نیازی در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر شرفیاب گردیدند و پیراسون موضوعات مورد علاقه دو کشور منجمله ترویج هر چه بیشتر فارسی اسروز در پاکستان تبادل نظرهای ثمر بخش بعمل آوردند .

مشارالیه بر اثر مذاکرات پیگیر باهمتای ایرانی موافقتنامه ای را بمنظور توسعه بیش از پیش همکاریها میان سازمانهای وسائل ارتباط جمعی دو کشور اسضاء کردند .

آقای مولانا کوثر نیازی غیر از مذاکرات رسمی باشخصیتهای مملکتی و مقامات دولتی ایران طی دیدار کوتاه از آن کشور در دو جلسه علمی و فرهنگی نطقهای مبسوطی ایراد کردند که عبارتند از نطقی مشروح پیراسون روابط علمی و ادبی و تاریخی میان ایران و پاکستان و مسائل اجتماعی دوره معاصر از دیدگاه اسلام در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

تهران و دومی سخزانی‌ایست درباره احوال و آثار و افکار علامه اقبال لاهوری طی مراسم بزرگداشت از شاعر متفکر پاکستانی که در تالار وزارت فرهنگ و هنر تشکیل گردید. در هر دو جلسه علامه کثیر رجال - شخصیتها - مقامات - دانشمندان - استادان نویسندگان و گویندگان شرکت کردند و از سخنان وزیر فارسیگوی پاکستان بگرمی استقبال کردند.

در نشریه^۱ حاضر متن هر دو سخنرانی آقای مولانا کوثر نیازی برای استفاده^۲ محافل علمی و فرهنگی و ادبی دو کشور گردآوری و تقدیم گردیده است.

ستن سخترانی

جناب آقای مولانا کوثر نیازی

وزیر اطلاعات و رادیو و امور حج و اوقاف ،
دولت فدرال پاکستان

در

دانشکده الهیات و معارف اسلامی ، دانشگاه تهران

ریاست معظم دانشگاه، ریاست محترم دانشکده، استادان ارجمند
و حضار گرامی !

برای اینجانب مایه کمال خوشوقتی است که فرصتی حاصل شده تا در این مرکز بزرگ دانش پژوهی و در اجتماع استادان و دانشمندان عالیقدر پاره‌ای از مکنونات قلبیم را باز گویم. اگرچه بعثت کثرت مشغله ارتباط من بفارسی امروز محدود است اما با فارسی ادبیات کلاسیک آشنائی کافی دارم و مولوی و سعدی و حافظ از سخنرایان محبوب منند. خوشوقتی زاید الوصف من بدو دلیل است: نخست اینکه علایق عمیق و گسترده همکیشی و علمی و ادبی و تاریخی و فرهنگی میان دو کشور همجوار و هم‌نژاد ما وجود دارد.

در قرن هفتم و هشتم میلادی نخستین دسته از مللی که با طیب خاطر و کمال رغبت به دین مبین اسلام گرویدند همین دو ملت غیر عرب ایران و دره سند بوده‌اند. در نخستین قرن هجری پس از ورود دین مبین اسلام به فلات ایران لشکرهایی که به امارت کشور گشایان عرب زبان بمناطق شرقی خلافت اسلامی گسیل میشد غالباً مشتمل بر افراد ایرانی فارسی زبان بودند که از طریق و مناطق کرمان و سرزمین داور و قندهار سیستان و قزدار و مکران گذشته بکناره‌های مرسبز و آبادان رود سند میرسیدند و اغلب آنان بنا بعلی در همان سامان بطور دائم رحل اقامت

می انگذند .

زبان مهاجران ایرانی فارسی آنزمان بوده بنا براین سایر مهاجران عرب و ترك كه عده شان نسبت بایرانیان كم بوده با ذوق و شوق زاید الوصف در این زبان مهارت و تبحر پیدا میکردند و طولی نکشید كه هم زمان با حكومت سامانی در ممالك شرقی اسلامی در ولایت قزدار در پاکستان امروز شعر فارسی را مرتبتي بلند و مقامی ارجمند حاصل گردید و نخستین زن شاعر شعر فارسی رابعه دختر كعب قزداري در قرن چهارم در آن ولایت میزیسته و در اصناف گوناگون سخن مهارت و چیرگی خود را بثبوت رسانیده است .

نخستین دفعه دودسان مہکتگین یعنی غزنویان در دوره اقتدار و عظمت خود تمدن و فرهنگ و زبان و ادب و سنن و رسوم ایرانی را در سرزمین پاکستان رواج و توسعه بخشیدند و در همین دوره در قرن پنجم هجری اولین اثر منشور عرفانی بزبان فارسی ، كشف المحجوب مصنفه عارف بزرگ علی بن عثمان لاهوری در لاهور بسلك نگارش در آمد .

سرزمین پاکستان در دوره های مختلف پناه گاهی بوده است كه سخنوران و نویسندگان و دانشمندان ایرانی بان نواحی مهاجرت میکردند و از طرف پادشاهان و امیران آنسرزمین بزرگواری میدیدند و سرپرستی و حمایت میشدند یکی از آن دوره ها در زبان استیلای مغول در فلات ایران بوده كه عده زیادی از عالمان و فاضلان و دانشمندان بدربار ممالیک و سایر درگاه های شبه قاره پناهنده شدند و در همین قرون نخستین آثاری در رشته تاریخ و تذکره بزبان فارسی در سند و پنجاب بنگارش درآمد كه عبارتند از تاریخ معروف معصومی در باب تاریخ سند در قرون اولیه اسلامی و تذکره لباب الالباب سدیدالدین محمدعوفی كه در دربار اوج (بهاولپور) تألیف و پیشکش گردید .

لاهور و ملتان بدون شك دو مركز بزرگ تكوین افكار عرفانی ایرانیست

زیرا در قرن پنجم نخستین اثر ستور عرفانی کشف‌المحجوب در لاهور نگاشته شد و در قرن هفتم محیط با کراست و فیض رسان سولتان عارف نامی ایران فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی (م: ۵۶۸۸ - ق) را تربیت نمود گویا برای ابوالحسن علی بن عثمان محیط لاهور سازگارتر از غزنی بوده که وی اصلاً از آن شهر برخاسته بوده و همچنین فخرالدین ابراهیم عراقی در عنفوان جوانی زادگاه خود را ترك گفته پس از مسافرت‌های زیادی بشهرهای مختلف ایران بسرزمین عرفان پرور مولتان وارد گردید و در مدت بیست و پنج سال اقامت مراحل و مدارج خودشناسی و خداشناسی را پیمود.

باز در قرون دهم و یازدهم هجری در ایران صفوی توجه بیشتری به علوم معقول و منقول و معارف اسلامی بوده است بدین جهت سخنورانی که خبر میشدند که اگر متاع شعری‌شان بدربار تیموریان شبه قاره عرضه گردد خریدار و مشتری فراوان خواهد داشت بسرزمینهای کشمیر و پاکستان رهسپار میگشتند و مهاجرت سخنوران و نویسندگان ایرانی از نیمه قرن دهم تا اوائل قرن دوازدهم هجری ادامه داشته است.

در اوائل قرن چهاردهم هجری نهضت نشأت ثانیه مسلمان شبه قاره با حرارت هر چه بیشتری آغاز گردید - ملت مسلمان شبه قاره که در داخل با دو نیروی متخاصم خود یعنی با حکومت استعماری خارجی و اکثریت سه بر یک هندوان که پیش از ورود انگلیسها بشبه قاره در حدود هفت قرن اغلب تحت حکومتها و سلطنتهای پادشاهان ترك نژاد و ایرانی‌الاصل فارسی زبان بسر میبردند ، دست و پنجه نرم میکرد .

ملت پاکستان در خلال میزده قرن گذشته بنا بتأثیر و نفوذ دو ملت ایرانی و "ترکان پارسی گوی" در زمینه‌های دین و فرهنگ و علوم و معنویات و ذوقیات اتحاد و يك پارچگی خود را بوجود آورده است.

همین علایق دیرینه مسلمانان شبه قاره با ایران موجب گردید که در سال ۱۹۴۷م نخستین کشوری که موجودیت و استقلال کشور نوینیان

پاکستان را برسمیت شناخت ایران بوده و نخستین رئیس يك کشور خارجی که از پاکستان رسماً دیدن کردند شاهنشاه ایران اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بوده اند .

با مد نظر داشتن همین روابط نزدیک عاطفی و روحانی و معنوی میان دولت ، ما پاکستانیها پیشرفت و تعالی بیش از پیش ملت نجیب ایران را تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریا مهر آرزومندیم ، شخصیت بسیار برجسته شاهنشاه در پاکستان مورد احترام فراوان است . شاهنشاه معظم از يك طرف سنن کهنسال پرشکوهی را حفظ و حراست کردند و از طرف دیگر رهبری دوراندیشانه و روشنفکرانه ایر برای ملت خویش فراهم آورده اند .

معظم له رهبری هستند که از طرفی دارای شکوه و شوکت پادشاهی میباشند و از طرف دیگر بخواسته‌ها و نیازهای زمان هم توجهاتی کامل میفرمایند و اصول انقلاب مفید ایران که بابتکار اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمرحله اجراء در آمده موید کافی باین امر میباشد .

حضار ارجمند !

بهترین مظهر یکپارچگی معنوی ما خود زبان و ادب فارسی است که نه فقط میراث ادبی دوازده قرن اخیر فلات ایران در این زبان مضبوط گردیده بلکه سیرات علمی و ادبی و تاریخی مسلمانان شبه قاره طی هزار سال اخیر نیز بزبان فارسی بسلك نگارش در آمده است . گویندگان و نویسندگان بزرگ فارسی نظیر : نکتی لاهوری ، ابوالفرج رونی ، مسعود سعد سلمان لاهوری اسیر خسرو ، اسیر حسن ، فیضی فیاضی ، عبدالقادر بیدل ، اسد الله غالب و علاعه اقبال لاهوری در نواحی مختلف شبه قاره آثار گرانبهائی بزبان فارسی از خود بیادگار گذاشته اند . در همه این مدت آثار ارزشمند گویندگان و نویسندگان بزرگ فارسی هم که در فلات ایران زندگی کرده‌اند مورد توجه مردم شبه قاره بویژه مسلمانان بوده و ما بهمین دلیل حتی سیرات علمی و ادبی زبان فارسی را سیرات مشترك نوع بشر تلقی میکنیم .

دلیل دوم اینست که مردم ایران در اشاعه و نشر و تحکیم و حمایت از دین مبین اسلام خدشات شایانی طی چهارده قرن اخیر کرده اند چنانکه در تاریخ غزوات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می بینیم که در غزوه خندق، حفر خندق بنابه پیشنهاد حضرت سلمان فارسی بوده که استراتژی نو ظهور نظامی برای شبه جزیره عربستان در آنزمان بشمار رفته است. بمقام والای سلمان همه ما توجه کامل داریم حضرت پیغمبر اسلام ویرا از اهل بیت خواند و حضرت اسیر او را بسمت فرمانروائی منطقه حساس برگزید. در سانحه دردناک کربلا نقش مثبت ایرانیان در شخصیت کم نظیر حضرت شهربانو همسر و الایثار حضرت امام حسین علیه السلام بمنصب ظهور رسید. طی قرنهای متمادی، ایرانزین مهد و پرورشگاه افکار دینی و مذهبی اسلام و زادگاه ائمه فقه و علمای علوم معقول و منقول و تفسیر و حدیث بوده است.

طی دیدار از کشور باستانی ایران آرزوی من این بود که از طبقات مختلف مردم بویژه از این دانشکده معارف اسلامی دیدن کنم زیرا بنده خودم را نیز دانشجوی علاقمند به علوم و معارف دینی تلقی میکنم. از جایی که اطلاع دارم از بدو تأسیس دانشگاه تهران، مطالعات علوم و معارف اسلامی همواره مورد توجه بسیار بوده و استادان برجسته این دانشکده آثار گرانبهای بگنجینه علوم و معارف اسلامی افزوده اند. علاقه من جهت دیدار از این دانشکده و ایجاد آشنائی نزدیک با استادان گرامی و دانشجویان تان عزیز وصف ناپذیر بوده است. با استفاده از این فرصت اجازه بدهید توجهات تان را بمطالبی چند معطوف نمایم.

اول اینکه دوره کنونی در سطح جهانی دوره بی دینی و ساده پرستی میباشد و نژاد جوانسال پیرامون تعلیمات اساسی حتی ادیان الهامی دارای تردیدهای گوناگونی میباشد. بطور مثال در اطراف عقایدی نظیر توحید، رسالت، رستاخیز، وحی، بهشت، جهنم و ایمانیات عموم مردم جهان بشکوک و شبهات فراوانی دست بگریانند در چنین اوضاع و احوال نیاز و اقتضای زمان اینست که ما دین مبین اسلام را در سطحی بالاتر از فرق

مختلف پیش عموم جهانیان عرضه بداریم . اگرچه میدانیم میان خود مسلمانان فرق مختلف وجود دارند اما من آنها را بطور مکاتیب فکر قلمداد میکنم و آنها را هرگز بطور اسم جداگانه تلقی نکرده‌ام . میان این فرق عقاید بیشماری مشترک میباشند که شاید بتوانیم بگوئیم که ۹۵٪ از عقاید همه آنان شبیه بهم و یکسان است و فقط در ۵٪ از عقاید ممکن است اختلاف عقیده در کار بوده باشد اما شگفت اینست که از تربیون‌های مباحث دینی اغلب صحبت از همین ۵٪ مطالب مورد اختلاف پیش کشیده میشود و پیرسون ۹۵٪ مطالب مورد اتفاق، کمتر حرف زده میشود در حالیکه کلام الله مجید خطاب به اهل کتاب از آنان دعوت میکند.

”یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم“

یعنی ای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی که میان ما و شما مشترک است . پس چرا مکاتیب مختلف فکری مسلمانان نتوانند پیرسون اصول و عقاید همگانی و مشترک گرد هم آیند .

حضار گرامی !

موضوع دیگری که میخواهم بآن اشاره کنم اینست که بر اثر توسعه علوم و تکنولوژی مسائل عدیده ایجاد شده که در ادوار گذشته کمتر وجود داشته است نظیر بانکداری، تعیین ربا، اسور بیمه، عکسی، تشریح اجساد بمنظور اهداف گوناگون پزشکی، پیوند اعضا در گذشتگان نظیر چشم با فرد زنده، تزریق خون به بیماران دارای نیاز مبرم، تعیین جهت قبله در حین مسافرت در هواپیما، رویت هلال، مقام زن در اجتماع امروزی زیرا دیگر ممکن نیست زنها در صحنه فعالیت‌های زندگی بعقب رانده شوند و در دورنمای این اسر تصور واقعی حجاب، آموزشگاههای مختلط و مسائل عدیده مشابه دیگر وجود دارد که لازم است پیرسون همه آنها از دیدگاه اوضاع نوظهور مطالعه کرد . بدبختانه در سطح جهانی هیچ سازمان علمای اسلامی وجود ندارد که پیرسون مسائل مورد بحث بررسی و تبادل نظر نموده و باتفاق آراء نتیجه‌گیری کند تا برای کلیه مسلمانان

رهنمون باشد. پیرامون مسائل نوظهور مذکور علمای جهان اسلامی حتی علمای کشورهای مختلف مسلمان دارای عقاید مختلف میباشند بهمین سبب هرج و مرج فکری پدید آمده و نژاد جوانپال فکر میکند که علماء دینی نمی توانند اتفاق نظر داشته باشند و اینکه اسلام نمی تواند بمقتضیات جدید پاسخگو باشد و راهنمایی کند. بهمین دلیل احتیاج به داشتن سازمان و ارتباط میان علمای کشورهای مختلف مسلمان برای تبادل نظر پیرامون مسائل در سطح علمی محسوس است تا چنین سازمان بتواند مسائل علمی را بدون فوت وقت مطالعه و راهنمایی های لازم نماید. مایه خوشوقتی است که برای تبادل نظر در اطراف امور سیاسی میان کشورهای مسلمان سازمانهایی اخیراً بوجود آمده است اما برای حل و فصل مسائل اجتماعی دینی باید سازمانی در سطح علمی بوجود بیاید که همه مسائل را بیطرفانه و بیغرضانه مطالعه نماید.

حضار محترم!

نکته دیگر که بنظرم شایان تذکر است اینست که معمولاً دوره کنونی را دوره اقتصاد قلمداد میکنند. در اغلب نقاط گیتی يك نوع نارا حتی و نارضائی بچشم میخورد. در اقصای عالم و کشورهای مختلف دنیا تجربیات گوناگون بعمل آمده اما تا کنون بیعدالتیها کلاً ریشه کن نگردیده است. بنظرم باید ایده برابری اسلامی ترویج یابد که توسط محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بجهانیان معرفی گردیده بود. در این ضمن بهترین نمونه برابری میان مخلوسه و خادسه را حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشتند. معظم لها کارهای منزل را يك روز در میان شخصاً انجام میدادند در حالیکه پیشخدمت دائمی ایشان جناب فضا در چنین روزها استراحت میکرد. چنانچه ما جستجو کنیم میتوانیم نمونه های خوب برابری اسلامی را بطور منظم و منضبط ارائه نمائیم ما باید درک کنیم که ما مسلمانان مقتدا هستیم و نه مقتدی و ما از زمانی مقتدی گردیده ایم که در اتباع از تعلیمات محمد و آل محمد علیهم السلام غفلت ورزیده ایم.

حضار گراسی !

مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه^۱ دانش دینی و اسلام شناسی کشورهای اسلامی بویژه در ایران و پاکستان مؤظفند که در تحکیم مبانی اسلامی در صحنه‌های اجتماعی از آخرین نتایج مطالعات خود یکدیگر را در جریان بگذارند . امید وارم در آینده نزدیک مبادله هیئت‌های استادان و دانشجویان علوم و معارف اسلامی میان دانشگاهها و مدارس عالی تعلیمات دینی و اسلامی میان دو کشور توسعه خواهد یافت . دین و آئین ما کلاً متمدنی و پاستخگوی هرگونه موقعیت‌ها تا روز رستاخیر میباشد آنچه بر ما واجب‌است تعمق و انطباق اصول دین مبین اسلام درباره^۲ مسائل جدید اجتماعی دینی میباشد بقول اقبال :

گمان مبرکه پایان رسید کارمغان
هزار باده ناخورده در رگ تالک است

در آخر برای توجه کامل تان بعرایضم صمیمانه سپاسگزاری مینمایم . اگرچه این نخستین دیدار من از دانشکده تان میباشد ولی امیدوارم در آینده هم بتوانم شما را مجدداً زیات کنم . یکبار دیگر از لطف تان تشکر نموده سخنانم را پایان میرسانم .

متن سخنرانی

جناب آقای مولانا کوثر نیازی
وزیر اطلاعات و رادیو و امور حج و اوقاف ،
دولت فدرال پاکستان

در ضمن

مراسم بزرگداشت از علامه اقبال لاهوری
در تالار وزارت فرهنگ و هنر - تهران

ریاست محترم جلسه بزرگداشت شاعر و فیلسوف فقید پاکستانی علامه اقبال لاهوری دانشمندان گرامی و اساتید محترم و خانمها و آقایان ارجمند - با نهایت دلگرمی و صمیمیت از وزارت فرهنگ و هنر که این جلسه را برپا نموده و افتخار حضور در این مجمع دانشمندان را باین جانب بخشیده است تشکر می نمایم.

بعد از ورود من بشهر زیبای تهران بمن اطلاع داده شد که دوستان و برادران ایرانی مجلسی را جهت بزرگداشت شاعر و فیلسوف ملی پاکستان تنظیم نموده و اینجانب سخنانی چند در آن ایراد خواهم کرد. اگر این اطلاع اندکی زودتر بمن میرسید من میتوانستم بنحوه‌ای که شایسته آن شاعر بزرگ است از آن تجلیل و تقدیر نمایم. ولی چون من با برنامه بسیار فشرده و درعین حال جالب روبرو بودم فرصت تنظیم یک سخنرانی واقعی‌ای را نداشتم باین کلمات اجمالی اکتفا خواهم نمود.

همانطوریکه مستحضراید پاکستان و ایران در علایق ناگسستنی مودت و همبستگی بهمدیگر پیوند دارند. این همبستگی زاده ریشه‌های باستانی و قدمت تاریخی میباشد. بهمین دلیل بود که دودمانهای سلطنتی مسلمان شبه قاره زبان فارسی را بعنوان زبان دربار انتخاب و تمام مکاتبات رسمی بهمین زبان انجام میشد. تعداد کتابهای زبانهای مختلف شبه قاره که طی دوران متمادی تاریخ در دربارهای مغول ترجمه شد بارزش و میراث ادبی و علمی فارسی افزایش داد. مردم مسلمان شبه قاره بحدی بزبان شیرین فارسی

علاقه‌مند بودند که معمولاً از فارسی بعنوان زبان مذهبی استقبال می‌نمودند و بان شعر می‌سرودند و ناسه سی نوشتند.

اقبال که بدون تردید نابغه عصر بود همانند نیاکان خود بفارسی شعر سرود و آشنائی با این زبان را افتخار خود میدانست. اصولاً کشف خود این حقیقت که اجلاسیه امروزی از طرف وزارت فرهنگ و هنر کشور شاهنشاهی جهت بزرگداشت علامه اقبال لاهوری برگزار میشود بزرگترین شاهد بر این است که علامه اقبال لاهوری بهمان اندازه‌ایکه بپاکستان متعلق است بایران و پارسی دانان جهان نیز متعلق است.

اقبال در حدود یک قرن پیش یعنی در زمانی که تمام زن و مردهای مسلمان شبه قاره پاکستان و هند ایده‌آل منتهای خود یعنی آزادی از یوغ اسارت و سلطه و استعمار انگلیس را در صمیم قلب پرورش میدادند، در یک خانواده متوسط الحالی در شهر سیالکوت یعنی در حوزه انتخاباتی من بدینا آمد.

هنگامیکه اقبال لاهوری مراحل ابتدائی تحصیلات خود را پایان رسانید و وارد مرحله رشد گردید عازم اروپا شد تا بتحصیلات عالیه پردازد.

در اینجا بود که اقبال کاملاً آرمانهای ایده‌آل آزادیخواهان وطن وقوف کاملی پیدا کرد زیرا وی برای اولین بار متوجه و شاهد گردید که دولت مستعمره انگلستان سر تا سر کشور هند را از هدیه بزرگ خداوند یعنی آزادی محروم ساخته و ثروت این قسمت بدبخت جهان را با ظلم و استثمار جهت پیشرفت سادی خود بخرج میداد.

کشف این حقیقت روح و انگیزه حیاتی را در فکر اقبال بوجود آورد و او بقیه زندگی خود را برای سرودن ترانه‌های آزادی که سرایش آنها هرگونه زنجیرهای اسارت و سیله‌های بردگی را نابود ساخت وقف نمود.

او اعتماد کاملی را در قدرت زبان فارسی داشت و میدانست که سرایش

ترانه‌های آزادی بزبان فارسی روح تازه‌ای را در آزادیخواهان و مبارزین ملی بوجود خواهد آورد. بهمین جهت بیشتر آثاری که اقبال لاهوری از خود بجائی گذاشت بفارسی میباشد. همانطوریکه اقبال در تکلم و جبهائی بودن زبان فارسی ایمان داشت وی در اهمیت جغرافیائی و سیاسی تهران نیز عقیده داشت و بهمین جهت گفت که :

تهران هو اگر عالم مشرق کا جنیوا
شاید کره ارض کی تقدیر بدل جائے

یعنی اگر تهران بصورت ژنو که مرکز کشورهای جهان است مرکز شرق شود اوضاع و احوال کلی جهان تغییر یابد و وضع مطلوبی پیدا شود .

اقبال هم شاعر بود و هم فیلسوف. تمام اشعار آن شاعر فتید دارای جدیت و مفهوم فیلسوفانه‌ای بود. شاعری وی بصورت یک پیام ارزنده و نوای موثری بتمام مسلمانان جهان ابلاغ گردید.

اقبال نیز از نیروی شعرهای خود آگاهی کاملی داشت و بهمین دلیل است که او تمام جهات پیام وطنپرستی و آزادیخواهی را توسط زبان شعر بمردم باز گو کرد.

همانطوریکه مستحضرید علامه اقبال لاهوری هنگامی چشم بجهان گشود که تمام مسلمانهای شبه قاره با احساسات شور انگیز آزادی برخوردار بودند. او پس از پایان تحصیلات عالی خود در اروپا بهند برگشت و لوای نهضت آزادی را در دست گرفته و شامل دسته پرچمداران مبارزه آزادی شد. ولی بزودی اقبال متوجه گردید که پایان سلطه حکومت انگلیس در هند به نفوذ و تفوق سیاسی هندوان که همیشه از مسلمانهای شبه قاره نفور بوده و جهت برقراری حکومت متعصب هندو کوشا بودند منجر خواهد گردید. اقبال نیز همانند مؤسس پاکستان قائد اعظم محمد علی جناح از ایجاد یک کشور مستقل و جداگانه اسلامی در شبه قاره پشتیبانی بعمل آورد و پیشنهاد نمود که

تمام سرزمین‌های هند که دارای اکثریت مسلمانان باشد، باید بصورت یک کشور اسلامی مستقل گردد.

این پیشنهاد علامه اقبال لاهوری با اعتراف و استقبال بی نظیری همراه گردید و هنوز دو سال هم از درگذشت علامه اقبال لاهوری نمی‌گذشت که ایجاد یک کشور جداگانه و مستقل طی اجلاس‌های تاریخی در شهر با عظمت و بیستانی لاهور رسماً مطالبه و طی قطعنامه‌ای بتصویب آزاد یخواهان رسید.

اقبال بشدت تحت تأثیر افکار مولانا جلال الدین رومی قرار گرفته بود.

او در بیشتر اشعار خود از سبک و تفکر مولوی پیروی نموده و خود را شاگرد روحانی مولوی بحساب می‌آورد. او ادعا داشت که چندین بار در رویا با مولوی ملاقات و مورد راهنمایی روحانی و فکری قرار گرفته است، او می‌گفت:

مرا بنگر که در هندوستان دیگر نمی بینی
برهن زاده ای رمز آشنای روم و تبریز است

ما پاکستانیها اقبال را نه تنها بعنوان شاعر و فیلسوف ملی کشور عزیز خود گرامی میداریم بلکه او را بنیانگذار ایده اتحاد ملل اسلامی و همبستگی کشورهای مسلمان جهان میشماریم.

امروز اقبال لاهوری در مرتا سر پاکستان بعنوان یک سمبل دوستی و مودت فیما بین کشور ایران و پاکستان شناخته میشود.

شاهنشاه عالیقدر و محبوب ایران درباره اقبال فرمودند که بنای دوستی و یگانگی دو کشور ایران و پاکستان طی صدها سال بوجود آمده پیوسته بعلاق تازهای استوارتر میشود. اقبال لاهوری در این خیر بزرگ سهم بسزائی داشته است و همواره با نیروی سخن روح اتحاد را جاوید

خواهد داشت. تخمهای دوستی ایران و پاکستان که در زمان ماقبل تاریخ توسط نیاکان ما کاشته شد طی دوران متمادی تاریخ بصورت یک شجر بسیار پهناوری درآمده است. و شاعرانی بسیار ارجمند که در دربارهای سلاطین مغول بفارسی شعر سروده و میراث پر ارزشی را از خود بجای گذاشته اند سمبل دوام این درخت دوستی میباشند.

اقبال برجسته‌ترین همه این شعرای ناسی بود و حیات جاویدی را باین درخت دوستی اعطاء نمود. تا اقبال در ادب و شعر پارسی زنده است دوستی دو کشور نیز برقرار و مستحکم خواهد ماند.

اقبال فارسی را جهت اینکه پیام خود را بتمام نقاط کشورهای اسلامی ابلاغ نماید انتخاب کرد.

او مطالعات عمیقی را در زبان فارسی انجام نموده و بیشتر اصطلاحات فارسی را با صراحت و سلامت خاصی در اردو بکار برده است.

اگر امروز او زنده بود بسیار خوشحال میشد که ایده اتحاد آری بصورت پیمان همکاری عمران منطقه ای عملی گردیده است. و چنین مرکزیت را برهبری دانشمندانه شاهنشاه آریا مهر بتهران بخشیده است و بخواست خداوند این مرکزیت حفظ و بدرجه ای خواهد رسید که آرزوی اقبال لاهوری بود که:

مدعای ما، مال ما یکمست طرز و انداز و خیال ما یکمست

ما ز نعمتهای او اخوان شدیم یک زبان و یکدل و یکجان شدیم

ابراز دوستی و مؤدت بیعدیل شاهنشاه آریا مهر با مردم شاهدوست ایران نسبت به نخست وزیر محترم پاکستان جناب آقای ذوالفقار علی بهتو با مردم پاکستان نماینده همان مسیری است که نیاکان برای ما تعیین نموده اند و اقبال توسط شعرهای فارسی و اردوی خود از آن حمایت و تأکید بعمل آورده است.

این دوستی و حمایت پاکستان و ایران از همدیگر هر گونه مرحله امتحان و لخطات آزمایش را با موفقیت زاید الوصفی طی نموده است و اکنون بعنوان مثال بسیار درخشنده روابط ملل محسوب میشود. خانمها و آقایان ارجمند و گراسی

همانطوریکه ایران گاسهای بسیار روشنفکرانه و برا زنده و ارزنده ایرا در راه توسعه اقتصادی و پیشرفت صنعتی و بالا برد سطح اجتماعی و درعین حال حفظ سنن باستانی برداشته و اعلیحضرت همایونی این کشور را با تمدن جهان همقدم ساخته اند. آقای ذوالفقار علی بهتو نیز مشغول اتخاذ اقداماتی هستند که پاکستان را از استثمار اقتصادی خارجی آزاد خواهد ساخت.

ما پاکستانیها از پیشرفت ایران خرسند هستیم و نسبت به شاهنشاه آریا مهر ابراز احترام مینمائیم.

در پایان من ابراز خوشحالی مینمایم که ایرانیها از اقبال تمجید و تحسین مینمایند. من در اینجا رسماً اعلام مینمایم که از این سال ما نیز روزهای را جهت بزرگداشت شاعران ملی ایران از قبیل فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی برگزار خواهیم کرد و این مراسم بر سطح عمومی و توسط تمام وسایل اطلاعات منجمله روزنامه ها و رادیو و تلویزیون برگزار خواهد شد. زنده باد دوستی ایران و پاکستان

